

نوعدوستي؟اينروزها؟!

یکشهروند|

این روزها آن قدر در گیر مشکلات و کاستی های تم که دیگر کمک به دیگران را فراموش کردهام این آسیب زندگی امروزی مردم ما است که غرق در مشکلات، نیاز هاو کمبودهای خود هستند و دیگری را به طور کامل فراموش کردهاند. به همین دلیل اگر روزی در کوچههای این شهر، فردی دست نیاز بلند می کرد، حداقل پهلوان و جوانمردی بود که دل به دل او داده و تامشکلش رارفعنمی کرد،به خانه نمی رفت امالمروز!به محض پای گذاشتن در کوچه و خیابان، صدهاانسان را می پینیم که نیازمند کمک هستند کودکان کار، ی" "، دختران و پســران فراری از خانه. دســـتُفروشها که اکثرشان از میان کودکان و نوجوانان هستند و

ما بی تفاوت از کنار آنها عبور می کنیم، بدون مایی نفسود او سور به سیسور بی بیری اندکی تامل، مین نیز گرفت از همین زندگی «بی تفاوت گستر» هستم، به همین دلیل آخرین کمک به دیگران را بهخاطر ندارم، شاید آخرینش چندسال قبل بود، زمانی که پیرمردی رنجور را کنار خیابان دیدم باعینکی سیاه وعصایی سفید منتظر کمک بود تا از عرض خیابان عبور کند. چند جوان بدون اعتنابه وی راه خسود را ادامه دادند. یک زوج جوان از راه رسیدند، اما آن قدر دستهایشان بههم گره خورده بود که دیگر دستی برای پاری رسانی نداشتند.دلمبرای پیرمردسوخت.راه خودرا تغییر داده و کمکش کردم از خیابان عبور کند. در آخر دعایم کرد «الهی پیرشی جیوون» در دل گفتم «خدانکنه!»



همدلىبهترازهمزباني

امیدمحمودی۲۲ساله | لیسانس ادبیات |

موضوع نوعدوستى،موضوع تاريخ انسان واخلاق ست. تمام مسأله انســـانها، بى اخلاقى هايشان، اخلاقمداریهایشان و همه رفتارهای آنها در طول تاریخ،مستقیم یاغیر مستقیم،به نوعدوستی طول آریخ مستقیم با عور مستقیم به نوعوستی مرتبط بوده است. وجهی از نوعدوستی بیش از حد و کوتخظرانه بوده که به نژاد پرستی منتهی شده است و وجهی دیگر از آن بسیار موسع و معتدل که به انسانیت و اخلاق منتهی شده است. مولانا، یکی از افراد تاثیر گذار در این مورد است. او به مسائل اجتماعی زیادی پر داخته از جمله مسأله نوعدوستی. من هم آنچه که مولانیا می گوید را ر سرگی می بادید که اورادی که از نیازمندان دستگیری می کنند، انسانهای نوعدوستی هستند حضر تمولانامي فرمايد

«شير مرداننددر عالم مدد

آن زمان کافغان مظلومان رسد

نگُ مظلومان ز هرجاً بشنوند

أن طرف چون رحمت حق می دوند ں رے پررور آنستونھای خللھای جھان آن طبیبان مرضھای نھان محضمهرو داوری ورحمتند همچوحق بی علت و بی رشوتند» سببور می وانیم محموری رسوده. اکنون نمی توانیم به مورد خاصی اشاره کنم. شاید بهتر باشد این کار را نکنم، اما معتقدم هر زمانی که بادیگران همدلی کردهام، نوعدوستی

ر «پسزبان محرمی خوددیگرست همدلی از همزبانی بهترست».

نه



چهارده

نوعدوستي يعنى محمدعلي فرشجيان سیدعلی حسینی | ۳۶ ساله | مهندس آی تی |

غصه براي دختركان دستفروش

حرفهها و مشباغل مختلف هر کدام خدمتی را به اطلاع رسانی و آگاهی مردم و جامعه ارایه می کنند. حـال حرفهای بعظور نوعدوستی وانسان دو مستقیم ومداوم در حوزه خدمت رسانی مستقیم قرار اگر پر سش اصلی دربا

داشته و حرفهای دیگر بهطور غیرمستقیم از این رو فعالیت در هر شخلی رامی توان به نوعی کمک به

دیگران و فعالیت با گرایش های نوعدوستی توصیف کرد.در این میان خبرنگاران به دلیل فعالیت در حوزه

مریم ابراهیمیان | خبرنگار

می کردوبرای خوددعانمی کرد،به او گفته شد: چراشمابرای مردم دعامی کنید، امابرای خودتان دعانمي كنيد؟ فرمود: اول همسايه، آنگاه خانه. در نهجالبلاغه هم فراز بسیار ارزشمندی درمورد نوعدوستی آمده است که حضرت امیر، مالک اشتر را به احترام به همه و رعایت حق همه مردم

بهترین مردم، پرفایده ترین آنها برای دیگران سفارش می کند. از این نوع سفارش ها در آیات و محمدعلى فرشيجيان وهزاران خير ونيكوكاري که زندگی مادی و معنوی خود را وقف نیکو کاری کردنــد. یکـــی از کارهــای مرحـــوم محمدعلی ممارستاند بهمساحت ۱۰هزار فرشجيان ساخت مترمربعويژهروانپزشكىبود.البتهدركنارچندين مدرسه و مركز درمانی ديگر در اقصي نقاط استان همدان بنياد نيكوكاري فرشچيان يادگاري هاي زيادي از آن بزرگمرد دريا دل در مناطق محروم

حال ووضع همنوعش اکند. بهترین مصداق های

که ایتام را سرپُرستی میکنند یا کسانی که در امور خیریه کار میکنند.مشاغل زیادی هم وجود

دارد که مصداق نوعدوستی است. مثل داوطلبان هلال احمر که اساس و بنیان کار آنها نوعدوستی وکمک به دیگران است یا آتش نشان ها و پرستاران

ن وعدوستی در جامعه امروز ما کسانی هسا اعضای بدن عزیزانشــان را اهدا می کنند، ّ

اطلاع رسانی و آگاهی بخشی به جامعه خود، نوعی از نوعدوستی وانسان دوستی را به نمایش می گذار نداما اگر پرسش اصلی درباره زندگی خصوصی باشد، کار

هر روز من غصه برای دختر کان دستفروشی است که به طور مدام آنها را در طول مسیر خانه تا محل کاریا

برعکس مے بینج تلاش دارم در حد توان مالے خوداز

. آنهاخریدکردهوبهنوعیکمکشانکردهبان



رفع نیاز یک انسان

انسان هابه دلیل شیوه زندگی اجتماعی، نمی تواننداز کردهام، مربوط به مشکلات مالی یکی از همکاران بود. کنار مشکلات و نیازهای دیگران بهراحتی عبور کنند. افراد هر چقدر هم نسبت به همنوع خود و مشکلات آنها بی تفاوت باشند، باز هم در طول زندگی مجبور به یاری رساندن هستند. چراکه اگر این یاری رساندن ها نباشد، خود فرد به انزوا کشیده شده و رو به نابودی بست. بوطریه برود روحی و حتی جسـمی می رود. من هم مانند دیگران از این قاعده مســتثنا نیسـتم. آخرین موردی نیز که بهعنوان یک انسان واز صمیم قلب به فرد دیگری کمک

وی برای بستری و درمان کوچکترین فرزندش نیاز به وی بری بستری و درس کو پخترین مرزمت پیری مبلغی پول داشت. هرچه کردیم نتوانستیم برای او در مدت کوتاهی وام بانکی فراهـــم کنیم. به همین دلیل اندک پس انداز خود را به وی دادم تا مشکلش رفع شود.وقتی خبر را به این همکار دادم، از فرط خوشحالی دعایم کرد. احسـاس می کنم این دعابرای من خیر و بر کات بسـیاری بههمراه داشــته و تا آخر عمر خواهد



اهداي كتاب به يك مدرسه روستايي

مر تضي نادي افشار معلم

یکــی از مهم تریــن دلمشــغولیهای من

دانش آموزان مدارس روستایی و مناطق محروم

بهدلیل حرفهای که دارم، بخـش مهمی از دوران معلمی خود را در این مناطق سیری کرده و با سیختی هایی که کودکان و نوجوانان

ما در روستاها و دهستانها برای تحصیل . . . تحمل می کنند، آشــنا هسـ -

تحمل می کنند، آشنا هستم. چندی پیش یکی از دانش آموزان گفت که در یکی از

وستاهای استان البرز مدرسهای وجود دارد که دانشآموزانـش علاقه فراوانــی به مطالعه

کتابهای کـودک و قصـه دارند، امـا کتابی

در دسترس ندارند. یادم افتاد، فرزندم که

اکنون در مقطع متوسطه تحصیل می کند،

داشته و میخواست آنها را بهعنوان یادگاری

حفظ کرده و به نوه ما بدهد. افسـوس خوردم

حفظ درده و به بوه ما بلاهداد الفسوس خوردم از این که دانش آموزان یک مدرسه روستایی از داشتن یک کتاب محروم هستند و مابرای خود یاد کاری جمع می کنیم. سراغ کتابخانه فرزندم رفتم. تمام کتابهای کودک او، غیر از ۲ کتاب را جدا کردم. این ۲ کتاب نیز حاوی خاطرات

نخستین کتابی است که او خود از کتابفروشی انتخاب کسرد و هسر دو را با تاریخ و امضا نگاه

داشته ایم. مابقی را در جعبه ای قرار داده و صبح

فردا به کتابفروشی محل رفتیم. در حد توان تعدادی کتاب کودک و ۱۷ جعبه مدادرنگی

خریدم و همه را به این مدرسه روستایی هدیه دادم.

نوعدوستي درغربت



این روزها کشور استرالیا میزبان مسابقات جام ملتهای آسیااست و تیم کشورمان نیز بهعنوان یکی از قدرتهای اصلی فوتبال این قاره کهن، در استرالیا

سور به همین دلیــل در دیدارهــای تیهملی چند هزار ایرانی ساکن این کشور برای تشویق و حمایت از تیم به ورزشگاههامی رفتند من نیز به عنوان یک ایرانی خـودراموظف دیدم کـه برای حمایـت از تیمملی فوتباُل کشَـورمان هرچه در تـوان دارم، انجاً در دیدار ایران با قطر وقتی بازی با پیروزی فرزندان ایران زمین به پایان رسید، در خیابان ها مشغول شادی با پرچم سهرنگ کشورمان بودیم که ناگهان متوجه شده فردی بالباس ورزشی تیمملی ایران مدام اطراف خود را جست وجو می کند. چهرهای

عصبانی و همراه با ترس و دلهره داشت. او ســوالي کنم، فهميدم چيز ارز شمندي را گم کرده ت. تابه کنارش رسیدم گفت که کیفدستی خود را گم کرده است. پرسیدم مدارک مهمی هم درون ر كيف بود كه پاسخ منفى دادو گفت «فقط پول آن قدر ۔۔۔ بر که پس از اتمام بازی بتوانم به شهر خودمان برسم، او ساکن یکی از شهرهای دور استرالیا بود. با هم برای ... ی رجهرین مرسور سعربیا بودیا هم برای پیدا کردن کیف سستی آش تلاش کردییم و حتی از پلیسس هم کمک خواستیم، پلیس استرالیا در چارچوب قوانینی که دارند، اعلام آمادگی کرد که این ار از از اراد ایرانی را برای رسیدن به خانه همراهی کرده و بلیتی برای او خریداری کند.

عيرُتايراني)مبهجوش آمد.گفتم: «مگرنمی،

هزاران ايرانى دراين جاهستندخودمان مشكل راحل ی سیم. این ایرانی که اتفاقا نامش مانند من «رضا» بود را به

خانه برده و فردا صبح تا فــرودگاه همراهی اش کردم. امیدوارم دوستی ماسال های سال ادامه داشته باشد.

صدها کتاب قصـه از دوران کودکی خود دارد. همسرم این کتابها را با وسواس بسیاری نگاه

اسماعیل آمری ۲۵ ساله

وعدوستي يعني قانون طلايي اخلاقي. چيزي که بحت عنوان Golden Rule شسناخ ــــــوس Golden rune شخة ميشود. قانونطلايي اختلاق ميان همه انستان ها، همه اقوام و سنن" ما ترا اقوام و سنتها، تمام مردم دنیا، اعم از آسیایی و آمریکایی، عـرب و ... و در تمام زمانها، پذیرفته و امریدیی سر جرد و در سازسی. پیرسد بوده و هست. این قانون، قرائتهای متفاوتی دارد. اما مهم ترین و اصلی ترین قرائت آن، این است که: با دیگران آن طــوری رفتار کن که اگــر در جای او بادیدران ارفضوری رفتار دن ده اسر در جای رو بودی، در شرایط مشابه، دوست داشته باشی با تو همان گونه رفتار شود. این یعنی نوعدوستی، یعنی این که بتوانی خودت را در جای دیگران و در شرایط مشابه با آنها تصور کنی؛ آنگاه طوری با آنها رفتار کن/طوری فتارنک که دوست داری/دوست

س طوری رخدار نعن به نوست داری انوست نداری، با تو آنگونه رفتار شود/نشود. این که من تا امروز، نوعدوستی کــردهام یا نه و این که در زندگی ام نوعدوست بــودهام یا خیر را

آن شبتاخانه پیاده رفتم

دیدران باید بدونیند. اما هر اسساسی، خود می بواند تصوری از کاری که انجام می دهد داشته باشد. یعنی این که ملتفت باشد این کار صحیح است یا خیر. در زندگی هر کسی شرایطی پیش می آید که محکی برای سنجش نوعدوستی است. من هم از این قضیه، مستثنانیستم. فکر می کنم در یکی از شبهای زمستان پارسال، رفتار نوعدوستانهای انجام دادم. در راه خانه بودم. پول زیادی نداشــتم. تمام پول داخل جیبم ۱۰هزار تومان بود. دختر کی ا المی فروخت، سر چهار راه جلوی خودروها را می گرفت تا به آنها گل بفروشد. من درون تاکسی، نشسته بودم که دختر ک جلو آمد و بــا نگاهی ... معصومانه گفت، سـرده. یکی از این گلهارو بخر تا زودتر برم خونه. نمی دانم چه شـد که سـرمای بیروُن را در تمام تنم احساس کردم. پولم را از جُیبم در آوردم. هزینه تاکسی را حساب کردم و همان جا در وروم، میرات سعی را بست برصوم مسان بیاده شده کیاده شده کیاده ختر کا دادم و همه گل های باقی مانده را بدختر کی دادم و همه گل های باقی ماندمانی را خریدم باقی پولش راهم برای خودش گذاشتم. دیگر پولی برایم نمانده بود. آن شب تاخانه پیاده رفتم.

دیگران باید بگویند. اما هر انســانی، خود می تواند

نوعدوستی مفهوم ارزشی است که ما در دین اسلام تاکیدات و سفارشهای زیادی درمورد آن داریم. نمونهای که خیلی معروف است، داستان کمک ۳ رُوزه حضرت علی(ع) و حضرت زهرا(س) است که افطارشان را به یتیم و فقیر و در راه مانده دادند، در شرابطی که خودشان به آن نیاز داشتند. آیهای در قرآن کریم وجود دارد به این مضمون که «هرکس یک نفر رازنده کند، مثل این است که



هلالاحمر مصداق بارز نوعدوستي فروغ يزدخواستي | ۴۲ ساله | كارمند تأمين اجتماعي |

پانزده

فكربچەهاىبىسرپرست



من خیلی دوست دارم به مردم کمک کنم. هر نم برمیاد انجام میسدم الان که دارم گرافیک میخونم چیسزی که بهعنسوان یکی از هدفهام در ذهن دارم اینـه که برم و به بچههای

بی مرپرست. ورسیدم. دوستدارم خوشحالشون هر چیز دیگری کهبلدم. دوستدارم خوشحالشون کنم تاتحمل سختی هاو کمبودهایی کهدر زندگی داشتن، کمی براشون آسونتر بشه. همیشه دیدن تصویربچههای کوچیک کهازداشتن خیلی چیزها محروم هســـتن، برام ناراحت كننده اس دارم یکروزی بتونم کاری انجام بدم که خوشحال

بىسرپرست آموزش بدم كاردستى، كلاژ، نقاشى و

آقادونفرحسابكن!

ساره ۲۳ ساله دانشجوی آی تی

یکبار که مسیری طولانی را با تاکسی می رفتم، نزدیک به مقصد بودم که دیدم کیف پولی را در ر ... خانه جاگذاشته ام و هیچ پول و کارت اعتباری در کیفی نیست. مستاصل شدم و به مادرم زنگ زدم که چه کار کنم؟ تنها فکری که به ذهنمان رسید زنگ زدن به نزدیک ترین فُردی بود که می توانست خودش را به من برســاند. به شــوهر خالهام زنگ دم که محل کارش حوالی میسدان ونک نزدیک انشگاه من بود. چندبار زنگ زدم ولسی او هم

جواب نداد چارهای نداشتم باید موقع پیادهش از راننده معذرتخواهی می کردم. به احتمال زیاد حرفم را باور نمی کرد یا شاید هم عصبانی می شد موقعیت بدی بود. وقتی به ونک رسیدیم و همه كرايه هايشان راحساب كردند تا آمدم به راننده توضیح دهم که کیفم را جاگذاشته ام، مردی که کنارم نشسته بود واز مکالماتیم متوجه ماجرا شده بود، گفت آقا دو نفر حُساب كن؛ نوعُدوستى يعنى